



مطالعه موردی سقط جنین عمدی " حضرت محسن " از منظر فقه و حقوق کیفری و آثار مترتب بر آن

رقیه نصیری^۱
سید علی ربانی موسویان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۰۲/۰۳ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۹/۰۴/۰۷

چکیده

یکی از مسلمات تاریخی صدر اسلام، موضوع هجوم به بیت وحی بعد از نبی مکرم اسلام است. از شخصیت‌های مهمی که در این جریان مورد تعرض واقع شده حضرت زهرا است که از نتایج این تعرض، سقط فرزند ایشان است. مساله مورد بررسی عبارت از این است که مسئولیت کیفری این جرم چیست؟ و بر عهده کیست؟ و چه نتایجی از آن حاصل می‌گردد؟ در پژوهش حاضر تلاش گشته، با ارائه اسناد روایی و تاریخی از منابع فریقین، ضمن شناسایی عوامل اصلی آن، مجازات جرم مذکور از منظر فقه را با مصادیق آن انطباق داده و جهت تقریب مذاهب اسلامی به روش صحیح بر پایه وحدت علمی قرآنی و بر مبنای پرهیز از کتمان و تحریف حقایق دینی و وقایع تاریخی، یکی از وظایف تمامی فرق اسلامی را بیان نماییم. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که عامل اصلی سقط حضرت محسن بن علی، دومین خلیفه عامه بوده و از آنجا که بنابر قول مشهور فقها، مجازات سقط جنین عمدی ظالمانه، قصاص است، کیفر عامل اصلی این جنایت قصاص می‌باشد. از آنجا که طبق حکم قرآن کریم جهر در مورد ظلم، محبوب پروردگار بوده و کتمان این حقیقت، مخالفت با آیه مودت و تضييع اجر رسالت می‌باشد، سکوت در این موضوع جایز نمی‌باشد و از آنجا که مسلمانان باید با شادی پیامبر شاد و با حزن وی محزون گردند، بر تمامی مسلمین ابراز تأثر و همدردی با رسول گرامی اسلام واجب است که این امر می‌تواند به صورت نمادی از وحدت واقعی مسلمین تبلور یابد. هدف از این مقاله تطبیق وضعیت واقعه با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و تعزیرات ۱۳۷۵ بود که با انطباق مذکور، عمدی بودن آن روشن شد.

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام شهر، ایران. roghayehnasiri51@gmail.com

^۲ استادیار گروه فقه و حقوق اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد اسلام شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اسلام شهر، ایران (نویسنده مسئول). a.rabbani110@yahoo.com

کلید واژه‌ها

سقط جنین عمدی، مسئولیت کیفری، مجازات سقط جنین، حضرت محسن علیه السلام.

مقدمه

جنین از هنگام انعقاد نطفه موجودی زنده و پویاست و ارتباطش با حیات بشری هر روز بیشتر می‌شود از این رو، هرچه زمان بر دوران بارداری می‌گذرد، بر ارزش و حرمت او افزوده و اخلاق در ادامه حیات وی ناپسند و جرم شمرده می‌شود. این نگاه انسانی از بقراط حکیم در سوگندنامه اش که سقط عمدی جنین را در کنار قتل عمد و گناه و جرم دانسته و آن را بر خلاف رسالت پزشکان شمرده تا عهدنامه‌ی ژنو که عالی‌ترین احترام را برای زندگی بشر از هنگام انعقاد نطفه قائل است پیوسته در جامعه بشری وجود داشته است. ادیان الهی از جمله اسلام نیز که پیام آوران کرامت انسانی از جانب پروردگار متعال اند، حق حیات برای جنین را موهبتی الهی می‌دانند و نزد آنان تعرض به آن گناهی بزرگ به شمار می‌آید و مستوجب مجازات است.^۱

پس از دمیده شدن روح در جنین - که حدود چهار ماهگی رخ می‌دهد - از انسانی برخوردار می‌شود. همین دگرگونی مهم در زندگی جنین سبب تغییر احکام و مقررات شرعی در حق او می‌شود. از منظر فقه اسلامی سلب حیات از جنین قبل از دمیده شدن روح و پس از آن فی نفسه حرام است.

آنچه موضوع این نوشتار است بررسی مجازات سقط جنین به عبارت دیگر قتل عمدی او پس از دمیده شدن روح و بررسی تطبیقی آن در مورد مهم‌ترین مصداق تاریخی این جرم در صدر اسلام نسبت به اهل بیت پیامبر اکرم (ص) است.

مبحث اول: جایگاه سقط جنین در نظام کیفری اسلام

گفتار اول: مفهوم سقط جنین و حرمت آن در اسلام

بند اول: تعریف سقط جنین

^۱ قتل نفس در پیشگاه خداوند از منفورترین گناهان و جنایاتی است که امنیت جامعه را به شدت به مخاطره می‌اندازد به همین دلیل در قرآن کریم در آیه ۳۲ از سوره مائده قتل به ناحق یک نفر را مساوی کشتن همه بشریت دانسته و در آیه ۹۳ سوره نساء فرموده است: هرکس مومنی را عمداً به قتل برساند جزای او جهنم است که در آن جاودان بوده و گرفتار غضب و لعنت دائمی خداوند خواهد شد و برای او عذابی مهیا می‌باشد.

سقط جنین در معنای لغوی به معنای بچه انداختن یا بچه افکندن پیش از زمان یا به بچه ناتمام از شکم افتاده اطلاق می‌شود، بنابراین خروج بچه پیش از زمان مقرر را سقط جنین می‌گویند. (دهخدا، ۱۳۳۷ش، ذیل کلمه سقط)

سقط جنین در اصطلاح حقوق کیفری عبارت است از اخراج عمدی جنین قبل از موعد طبیعی به نحوی که زنده یا قابل زیستن نباشد یا منقطع ساختن دوران بارداری (گلدوزیان، ۱۳۸۹ش، ج ۱، ص ۳۸۱)

بند دوم: حرمت سقط جنین در اسلام

مقدمتا باید گفت در تمامی ادیان توحیدی شاهد اسنادی دال بر حرمت و عدم مشروعیت این عمل هستیم، مخالفت با سقط جنین در آیین زرتشت به حدی است که این عمل را با قتل عمد برابر دانسته و گناه پدر و مادر و سقط کننده را به یک میزان قلمداد می‌کند. (وندیداد؛ فرد گرد ۱۵، بند ۱۲) (آقایی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۴۹) در حقوق یهودی، درباره سقط جنین، آیه‌ای از تورات به صراحت آن را یک جرم و مستوجب مجازات اعلام نموده است. و هرگاه اشخاص با هم نزاع کنند و زن بارداری را بزنند و بچه‌هایش ساقط شوند و ضرری دیگر وارد نشود موافق آنچه شوهر آن زن تعیین کند، در حضور داوران جریمه بپردازد، و اگر اذیتی دیگر حاصل شود آنگاه جان به عوض جان دهد. (سفر خروج فصل ۲۱) در تعالیم کلیسای کاتولیک رم، مبادرت به سقط جنین گناهی بزرگ است که مجازات شرعی طرد را در پی دارد. (سلیمانی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۶۲ تا ۳۶۸) پاپ فرانسیس رهبر کاتولیک‌های جهان نیز در سخنرانی اخیر خود (خرداد ۱۳۹۸) سقط جنین را گناهی نابخشودنی معرفی کرد حتی اگر جنین به صورت جدی با معضل تندرستی و نقص مواجه باشد.

در میان فقهای اهل تسنن اختلاف نظر چشمگیری درباره حکم سقط جنین پیش از چهار ماهگی وجود دارد، اما در مورد حکم بعد از چهار ماهگی اتفاق نظر وجود دارد. میان فقهای اهل تسنن هیچ اختلافی وجود ندارد که سقط جنین پس از چهار ماهگی به دلیل دمیده شدن روح در جنین حرام است. (قماش، ۱۳۸۴ش، ۳۷۵ تا ۳۸۹)

حرمت سقط جنین از مسلمات فقه شیعه بوده و درباره حرمت قطعی سقط جنین به حکم اولی، خواه قبل از ولوج روح، خواه بعد از آن هیچ اختلافی بین فقها وجود ندارد (محسنی، ۱۳۸۲ش، ص ۶۹) در منابع تاریخی این گونه آمده است: عده‌ای از مشرکان از جمله «هباربن اسود» به قصد اذیت کردن دختر خوانده رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) که از مکه به سمت

مدینه هجرت کرده بود به تعقیب وی پرداختند. اول کسی که از مشرکان به کجاوه زینب رسید «هباربن اسود» بود که نیزه‌ای به کجاوه زینب فرو برد. زینب که حامله بود از این حمله ترسید و زمانی که به مدینه رسید بچه اش را سقط کرد. از این رو پیامبر (صلی الله علیه واله) دستور داد هر کجا «هباربن اسود» را دیدند او را به قتل برسانند. (ذهبی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۱۰۲) (طبری، ۱۳۸۷ش، ج ۱۱، ص ۵۹۴) (بیهقی ۱۴۰۵ق، ج ۳، ص ۱۵۶) (ابن اثیر الجزری، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۶۰۸)

گفتار دوم : مجازات سقط جنین در فقه امامیه

کیفر و مجازات سقط جنین در اسلام و فقه امامیه از بدو بارداری براساس مراحل گوناگون آن، مختلف در نظر گرفته شده است.

این مجازات‌ها عبارتند از: قصاص، دیه و کفاره

بند اول: قصاص:

فقه‌های امامیه نسبت به ثبوت قصاص در اسقاط عمدی از جنین تام الخلقه‌ای که روح در او دمیده شده است، متفق القول نیستند و در بین آنها دو دیدگاه مشهود است:

الف. مشهور فقها: قائل اند به اینکه اگر کسی زن بارداری را بزند و فرزند او سقط شود و هنگام سقط بمیرد، ضارب وی قاتل است و اگر ضربه با قصد و عامدانه صورت پذیرد، قصاص ثابت می‌شود. (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۴۱۸)

شیخ محمد حسن نجفی (جواهرالکلام ۴۳، ۳۸۱):

اگر شخصی به زن باردار ضربه بزند و بر اثر ضربه، آن زن جنینش را اسقاط کند و جنین هنگام سقوط بمیرد ظاهراً ضارب قاتل است و باید قصاص شود زیرا موضوع قصاص که ازهاق نفس محترم است، محقق شده است و فرقی نمی‌کند جنین بعد از سقط، حیات مستقر داشته باشد یا نه؛ زیرا قبل از قتل، حیات داشته و همین کافی است برای تحقق موضوع قصاص. صاحب جواهر برای جنینی که هنگام سقط شدن بمیرد و قبل از سقط حیات داشته است قصاص را ثابت می‌داند.

سبزواری (مذهب الاحکام ۲۹، ۱۱۲):

اگر شخصی، زن حامله‌ای را بترساند و زن بر اثر آن، حملش را اسقاط کند، ضامن دیه جنین خواهد بود، البته در صورتی که بدون قصد، او را ترسانده باشد وگرنه قصاص می‌شود.

صاحب مذهب الاحکام از کسانی است که فائل به ثبوت قصاص از جنین است. ایشان نسبت به ثبوت قصاص تصریح کرده است و دلیل خود را وجود مقتضی بیان می‌کند. در سقط جنین، مقتضی قصاص که ولوج روح و کامل بودن خلقت است، موجود است. زیرا در این صورت، جنین یک نفس محترم محسوب می‌شود و تحت شمول عمومات قصاص مثل النفس بالنفس قرار می‌گیرد، پس قصاص ثابت است.

نجفی (کاشف الغطاء) (سفینه النجاه ۳، ۹۶):

اگر روح در جنین دمیده شده باشد مثل صبی است و همه احکام صبی در حق او ثابت است. پس در قتل عمد، قاتلش قصاص می‌شود و دیه‌اش در قتل خطاء، دیه یک انسان کامل است و با کشتن عمدی او، کفاره بر قاتلش واجب می‌شود.

کاشف الغطاء در عبارات خود بر ثبوت قصاص برای جنین تصریح می‌کند و معتقد است جنینی که روح در او دمیده شده، یک نفس محترم است و تمام حقوقی که برای یک نفس محترم است، برای او هم هست، از جمله آن حقوق، ثبوت قصاص است.

محقق حلی در شرایع الاسلام (شرایع الاسلام ۴، ۲۶۵):

اگر زنی حمل خود را سقط کند، چه به مباشرت و چه به تسبیب، باید دیه جنین را بپردازد و نصیبی از دیه به او نمی‌رسد. اگر شخص دیگری باعث شود که زن جنینش را سقط کند، دیه بر گردن او خواهد بود.

محقق در این کلام خود متعرض قصاص نشده و از ابتدا به سراغ ثبوت دیه رفته است و از کلامشان که فرمود « لانصیب لها من الدیه » وجود عمد در فعل زن فهمیده می‌شود، زیرا در قتل عمد قاتل از ارث (همان دیه) نصیبی نمی‌برد ولی ایشان در کلام دیگر بحث قصاص را مطرح کرده است.

اگر شخصی به زن بارداری ضربه‌ای بزند که بر اثر آن، زن باردار حملش را اسقاط کند و هنگام سقوط، جنین بمیرد، ضارب کشته می‌شود اگر از روی عمد، آن زن را زده باشد و اگر عملش غیر عمد بوده دیه را در مالش ضامن است. (حلی (محقق) ۱۴۰۸ق، ج ۴، ص ۲۶۶)

بین این دو کلام محقق را می‌توان چنین جمع کرد که اگر مرتکب سقط، مادر باشد اگرچه عمد هم باشد فقط دیه ثابت است اما اگر مرتکب سقط شخص دیگری باشد و از روی عمد این عمل را انجام دهد قصاص ثابت است.

محقق اردبیلی (مجمع الفائده ۱۴، ۳۳۸):

اگر شخص جانی، جنایتی بر زن بارداری کند و آن زن، جنینش را اسقاط کند و جنین او بمیرد اگر جنایت جانی از روی عمد بوده باشد جانی کشته می‌شود.
محقق اردبیلی مانند محقق حلی برای جنینی، قصاص را ثابت می‌داند که هنگام سقوط زنده باشد و بمیرد.

علاوه بر این گروه از فقها، که به این موضوع تصریح کرده اند از ظاهر عبارت بعضی دیگر نیز برمی‌آید که ایشان با این فتوی موافقند، برای نمونه می‌توان از سلار دیلمی در المراسم یاد کرد که می‌گوید :

اگر جنین یک زن باردار کشته شود باید بین دو حالت قائل به تفصیل شد، اگر جنین تام و کامل باشد مرتکب قصاص می‌شود و در غیر این صورت دیه بر وی ثابت خواهد شد. (سلار دیلمی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۴۲)

مهم‌ترین دلیل بر ثبوت حق قصاص در قتل جنین دارای روح این است که جنین پس از آن که در حدود چهار ماهگی روح در آن دمیده شد، انسان و دارای نفس محترمه می‌شود و از این رو، عموم دلایل ثبوت حق قصاص نفس که موضوع آنها انسان و نفس محترمه است شامل او می‌شود.

با دقت در دلایل عام قرآنی ((مائده /۴۵) بقره /۱۷۸) (اسراء /۳۳) و روایی (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۳۱۲ و ۷۶) قصاص، به این نکته می‌رسیم که موضوع حکم حق قصاص، انسان و نفس محترمه است، بر همین اساس برخی از فقیهان شیعه (مدنی کاشانی ۱۴۱۰ق، ص ۷۳) و اهل سنت (ابن حزم، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۱) که فتوا به ثبوت حق قصاص در سقط جنین دارای روح داده اند، به اجمال از این دلیل یاد کرده اند. و بعضی از فقیهان معاصر نیز این دلیل را با تقریری دیگر بیان داشته‌اند شیرازی، ۱۴۲۰ق، ج ۹، ص ۲۱۷) (صانعی، ۱۳۸۴ش، ج ۱، ص ۱۵۴).

ب) اما اقلیت فقها با توجه به شرط عدم مماثلت میان مجرم (انسان) و جنین قصاص را ساقط دانسته و دیه را مجازات اصلی قرار می‌دهند.

نظر غیر مشهور که خود شامل دو قسم است: یکی قول به عدم قصاص و اثبات دیه کامل می‌باشد. شیخ طوسی: (الخلافا، ۵، ۲۹۴ مساله ۱۲۵) (شهید ثانی، مسالک الأفهام ۱۵، ۴۸۸، ۴۸۹) و دیگری قول به تفصیل میان فوت جنین پس از سقط و قبل از سقط، که دیدگاه اخیر از زمان محقق حلی به وجود آمد (حلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۶۶).

۱- عده‌ای با استناد به صحیحہ ابی بصیر که بر اساس آن حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) در خصوص کشتن مجنون حکم به عدم جواز قصاص فرموده و در ادامه افزوده‌اند: «فلا قود لمن لایقاد منه» «قاتل کسی که قصاصش نمی‌کنند، قصاص نمی‌شود» (حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۹، ص ۷۱)

با تعمیم فراز اخیر روایت، کشتن سایر افرادی که ارتکاب جنایت از سوی آن‌ها مستوجب قصاص نخواهد بود، نظیر جنین و نابالغ را نیز غیر قابل قصاص دانسته‌اند. (موسوی خویی، ۱۴۲۲ق، ج ۴۲، ص ۵۱۳) اما تعمیم این فراز را اکثر فقها نپذیرفته‌اند، لذا نظر مشهور و قانون مجازات اسلامی که فوقاً ذکر شد در مورد نابالغ برخلاف مجنون، قصاص قاتل می‌باشد. اشکال واضح‌تر اینکه لازمه تعمیم این فراز و چنین استدلالی این است که کشتن شخص خوابیده نیز قصاص نداشته باشد زیرا خوابیده قصاص نمی‌شود. در حالیکه گمان نمی‌رود کسی ملتزم به این حکم شود. (موسوی خوانساری، ۱۴۰۵ق، ج ۷، ص ۲۳۶)

۲- دسته دوم، ضمن آنکه استفاده تعمیم حکم عدم قصاص موضوع روایت را از مورد جنایت بر مجنون به سایر موارد مانند نابالغ نمی‌پذیرند، لیکن در خصوص جنایت بر جنین، گذشته از اصل اولیه که مقتضی عدم جواز قصاص بوده، به استناد برخی روایات صحیح‌السند که در آنها حکم به ثبوت قصاص در موارد اسقاط عمدی جنین تصریح نشده، قصاص را منتفی دانسته‌اند. (موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۲۹۱، مکارم شیرازی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۲۹۳)

ج) نظریه تفصیلی :

محقق حلی در شرایع الاسلام برای نخستین بار در موضوع ثبوت قصاص در جنایت عمدی بر جنین بین دو مرحله تفکیک نموده‌اند، از نظر ایشان مرحله ارتکاب فعل مدخلیتی در حکم نداشته، بلکه مهم زمان حدوث نتیجه است که اگر نتیجه مجرمانه پس از تولد تحقق یابد، قصاص ثابت است، حتی اگر رفتار موجب آسیب در دوران جنینی واقع شده باشد، اما اگر نتیجه قبل از تولد و در همان دوره جنینی رخ داده باشد دیه ثابت می‌شود.

ظاهراً مبنای این نظریه را باید در عدم پذیرش مخصص برای عمومات ادله قصاص از یک سو و تردید در صدق قتل نفس بر سلب حیات از وجود جنین، از سوی دیگر دانست لذا با اخذ یک قدر متیقن که موافق احتیاط نیز باشد، تلاش شده احراز سلب حیات یا وجود صدمه در یک فرد

تولد یافته را برای تعیین حکم قصاص کافی بدانند و بر این مبنا رای دهند که نتیجه فعل در چه مرحله‌ای رخ داده باشد.

در هر دو نظریه موجود در ثبوت یا عدم ثبوت قصاص در اثر سقط جنین، می‌توان استفاده کرد فقها بر این مورد اتفاق نظر دارند که اگر ضربه‌ای به زن باردار برخورد کند، و بر اثر آن ضربه، جنین سقط شود، در صورت عمد ضارب باید قصاص شود. (نجفی، ۱۳۹۲ش، ج ۴۳، ص ۳۸۱) و اما اینکه استدلال شده بر اینکه در روایات موجود، بر قصاص قاتل جنین تصریح نشده و بر روایات ابوعبیده از امام صادق (ع) استناد می‌کنند که درباره زنی که حامله بود و دارویی می‌خورد تا جنین خود را اسقاط کند، امام باوجود قتل عمد برای او دیه تعیین می‌کند و به قصاص اشاره نمی‌شود. در پاسخ باید گفت این قیاس مع الفارق است بله در هر شرایطی در قانون و فقه طبق روایات بر مادر جنین اگر مرتکب این جرم شود دیه تعیین شده و خود نیز از دیه ارثی نمی‌برد و نمی‌توان این حکم را با شرایطی که جنین بواسطه دیگری سقط شود قیاس کرد.

بند دوم (دیه و کفاره : دیه‌ی جنین که روح در آن پیدا شده است، اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف دیه پسر و اگر مشخص نباشد جنسیت چیست، سه ربع دیه پسر خواهد بود. در صورت سقط جنین پس از پیدایش روح، مشهور فقها به وجوب کفاره رأی داده‌اند و برای اثبات این نظریه به ادله‌ی وجوب کفاره بر قتل استدلال کرده‌اند. که البته بحث کفاره در نظام کیفری تقنینی ما جایگاهی نداشته و پیش بینی نشده است.

مبحث دوم: بررسی موردی سقط حضرت محسن علیه السلام

بعد از آنکه رسول خدا (ص) در غدیر خم، امیر المومنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) را به عنوان ولی و اولی به مومنین از انفسشان معرفی فرمود چیزی نگذشت که در بازگشت به مدینه توسط ایادی کفر و نفاق به اتفاق منابع شیعی و سنی مسموم گشت (حاکم نیشابوری، ح ۴۳۹۵ و مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۴۵۶ و طوسی، ۱۳۶۴ش، ج ۶، ص ۳) و بعد از زندگی سعید، شهید از دنیا رحلت نمود.

این واقعه جانگداز در دل اصحاب حقیقی و نزدیکان دلباخته‌اش چنان اثر گذاشت که یکسره فارغ از امور دیگر به تجهیز بدن مقدس آن حضرت پرداخته و تا آخرین لحظه از جسم نازنینش مفارقت ننمودند تا وظیفه عاطفی و شرعی خود را در مورد تعزیز، توقیر و خاکسپاری نبی مکرمشان اعمال دارند. اما از طرف دیگر عده‌ای بدون اطلاع دسته اول مراسم را ترک کرده و در سقیفه گرد هم آمده و با نقض عهد غدیر، بیعتی فراهم آورده و بر اساس آن از سایر مسلمین

بیعت می‌ستاندند. در این میان بنی هاشم و آن تعداد از صحابه که در جریان سقیفه نبوده و مشغول تجهیز نبی مکرم بودند پس از اطلاع از بیعت سقیفه - که البته در همان سقیفه نیز با اختلاف شکل گرفت و برخی بزرگان اصحاب مانند سعد بن عباده تا آخر عمر بر سر مخالفت با آن باقی ماندند - با آن به مخالفت برخاستند و جهت اعلان اعتراض در بیت امیرمومنان (ع) تحصن نمودند. خلافت نوپا که تحکیم پایه‌های حکومت خود را در سرکوب مخالفین و اخذ بیعت جبری از همگان می‌دانست، دستور هجوم به بیت فاطمه (ع) داده و عمال خود را جهت گرفتن بیعت روانه کرد و برای رسیدن به این مقصد دست کارگزاران خود را در اخذ بیعت از اهل بیت وحی و سوزاندن بیت وحی بازگذاشت، و صاحبان بیت را میان بیعت و کشته شدن مخیر ساخت. هنگام حمله، از آنجا که جایگاه دختر پیامبر بر تمامی صحابه روشن بود و همگی از رسول خدا در باره وی شنیده بودند که: فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبنی، فاطمه پاره‌ای از وجود من است پس هرکس او را خشمگین کند مرا خشمگین نموده است (بخاری، ح ۳۷۶۷) و می‌دانستند که او سیده نساء اهل جنت است (بخاری، ح ۳۵۵۶)، آن حضرت برای اتمام حجت، شخصا به پشت در آمد تا بلکه مهاجمین حرمت رسول خدا (ص) را در مورد یگانه دخترش رعایت نموده و یا اگر ایمان به رسولش ندارند غیرت عربیت مانع کارشان گردد، اما چنین نشد و در جریان حمله و ورود به عتق به بیت فاطمه (ع)، آن حضرت به شدت مجروح شده و در اثر ضربات وارده فرزند خود را سقط نمود.

گفتار اول: ادله و اسناد حمله و ایراد ضرب و جرح به حضرت صدیقه‌ی طاهره (س)

قبل از بررسی عاملان جرم و تشخیص مجازات مناسب با آن در ابتدا باید موضوع این جرم، یعنی حمل سقط شده معرفی گردد. حضرت محسن فرزند سیداصیاء و سیده نساء عالمین، سومین پسر علی و زهرا علیهما السلام است. سیوطی می‌گوید: «فاطمه الزهرا رضی الله عنها، رزقت من الاولاد خمسة، الحسن، والحسين، و محسن و ام کلثوم و زینب، فاما محسن فدرج سقطاً. حضرت زهرا علیها السلام پنج فرزند داشته است: حسن، حسین، محسن، زینب، ام کلثوم. و اما محسن سقط شده است. (سیوطی، ۱۴۲۴ق، ج ۲، ص ۳۰)

در بزرگی و جلالتش همین بس که در کتب آسمانی گذشته نیز از او ذکر شده و پیامبر خاتم (ص) قبل از به دنیا آمدن، شخصا وی را نام گذاری کرده و با فرزند سوم هارون خلیفه موسی هم نامش نموده است. (ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۴۸۷، بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۱، ص ۴۱۱، مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۷، ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۵۶، مجلسی،

۱۴۰۳ق، ج ۳۸، ص ۱۴۵). ابن بطریق (م ۶۰۰) نقل می‌کند: ان فاطمه اسقطت بعد رسول الله ذکرا کان سماه النبی و هو حمل محسنا (ابن طریق، ۱۴۰۷ق، ص ۷۴).

بند اول: اسناد حمله به بیت حضرت زهرا (س):

اصل جریان هجوم به بیت عترت نبی اکرم(ص) به قدری در منابع تاریخی و حدیثی عامه و خاصه ذکر شده و در قرون متوالی شهرت یافته که از مسلمات تاریخی محسوب شده و از ذکر سند بی نیاز است با این حال برای نمونه مواردی از اسناد این موضوع از متون کهن اهل تسنن به عنوان شاهد ذکر می‌گردد.

ابوبکر عبدالله بن محمد بن ابی شیبه، شیخ و استاد بخاری در کتاب «المصنف» (المصنف، ج ۷، ص ۴۳۲) ابن قتیبہ دینوری در الامامه و السیاسة (ج ۱، ص ۳۰) و اسماعیل بن علی ابوالفداء در تاریخ ابی الفداء (ج ۱، ص ۱۵۶) وابن عبدالبر در الاستیعاب فی معرفة الاصحاب (جلد ۳، ص ۹۷۵) و یعقوبی در تاریخ یعقوبی (ج ۲، ص ۱۰۵) و همین طور ذهبی در میزان الاعتدال فی نقد الرجال (المیزان، ج ۱، ص ۱۳۹).

از بهترین شواهد بر این جریان اعتراف و پشیمانی ابوبکر در هنگام مرگش از این عمل می‌باشد که با اسناد متعددی در منابع عامه نقل شده است. ابوعبید قاسم بن سلام (۲۲۴) در کتاب نفیس خود به نام الاموال که مورد اعتماد فقیهان بزرگ است به طور مستند از عبدالرحمان بن عوف نقل می‌کند که می‌گوید: در بیماری خلیفه اول، برای عیادتش وارد خانه او شدم. او پس از گفتگوی زیاد به من گفت: آرزو می‌کنم ای کاش سه چیز را که انجام داده ام انجام نداده بودم و همچنین سه چیز را که انجام نداده ام، انجام می‌دادم، و آرزو می‌کنم سه چیز را از پیامبر سوال می‌کردم. و یکی از آن سه چیز را که انجام داده بودم و آرزو میکرد انجام نمی‌داد این بود که ای کاش خانه و حریم فاطمه را کشف نمی‌کردم و آن را به حال خود وامی‌گذاشتم، هرچند برای جنگ بسته شده بود. محمد بن جریر نیز از ابوبکر نقل کرده است: «دوست می‌داشتم خانه علی را ترک می‌کردم، اگرچه او آشکارا با من جنگ می‌کرد.» (طبری، ۱۳۷۵ش، ج ۴، ص ۱۵۷۲)

روایات به طور کلی نشان دهنده این است که خلیفه اول (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۴ش، جلد ۶، ص ۵۱) و خلیفه دوم (طبری، ۱۳۷۵ش، ج ۲، ص ۴۳۳) (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۶۵۱) قنفذ (ابن قتیبہ دینوری، ۱۴۱۳ق، ج ۱۰، ص ۱۲) و خالد بن ولید و ابو عبیده جراح، مغیره بن شعبه، سالم غلام ابوحدیفه همگی هنگام هجوم به در خانه امیرالمومنین حضور داشتند. در تاریخ یعقوبی (۲۵۴) آمده است: ۱- عمر بن خطاب ۲- خالد بن ولید ۳- عبدالرحمن بن عوف ۴- ثابت

بن قیس بن شماس ۵- زیاد بن لبید ۶- محمد بن مسلمه ۷- زید بن ثابت ۸- سلمه بن سلامه بن وقتش ۹- سلمه بن اسلم ۱۰- اسید بن حضیر از مهاجمان به خانه عترت بوده‌اند. (یعقوبی، ۱۳۷۴ش، ج ۲، ص ۱۱۵)

شیخ مفید اسامی برخی از افراد که میان یورش برندگان حضور داشته‌اند را بر طبق روایت جد « عمرو بن ابی المقدام » که خود یکی از آنان بوده ذکر کرده است .

جد عمرو بن ابی المقدام می‌گوید : « عمر گفت برخیزید تا به سوی علی برویم. ابوبکر، عمر، عثمان، خالد بن ولید، مغیره بن شعبه، ابوعبیده جراح و سالم غلام ابی حدیفه برخاستند و من نیز با آنها برخاستم (شیخ مفید، ۴۱۳ق، ۱۸۱) همچنین شیخ مفید در کتاب جمل آورده: عمر همراه جماعتی از جمله مغیره بن شعبه ثقفی و سالم غلام ابو حدیفه حرکت کرد تا به خانه علی (ع) رسید (شیخ مفید، الجمل، ص ۱۱۸ و ۱۱۷) ابی بکر، عمر، عثمان (شیخ مفید، الارشاد، ص ۱۸۴ و ۱۸۷) خالد بن ولید، قنفذ (هلالی، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۲۵۰) بحرانی، مدینه المعاجز، ص ۴۴۱) ثابت بن قیس بن شماس، عبدالرحمان بن عوف و محمد بن مسلمه (جوهری، بی‌تا، ص ۴۵) و عبدالرحمان بن ابی بکر (مجلسی، ۵۳/۱۴، بحرانی، ۴۴۱، رحمانی همدانی، ۵۳۲/۲) اسید بن خصیر (حصین) و سلمه بن سلامه بن وقتش، سلمه بن اسلم (الامامه و السیاسه ۱/۱، ۱۱/۱، یعقوبی، بی‌تا، ۱۱۵/۲، مروجی طبسی، ص ۳۰۶) معاذ بن جبل (الوافی بالوفیات، ۶، ۱۷، ملل و نحل، ۵۱، الامامه و السیاسه، ۱۲/۱) بشیر بن سعد (احتجاج، ۴۱۴/۱، اختصاص، ۱۸۵) شوشتری (احقاق الحق، ۳۷۰/۲) از مهاجمان بوده اند.

بنابراین در منابع فریقین وجود افرادی مانند: ابوبکر، عمر، قنفذ، مغیره بن شعبه، عبد الرحمن بن عوف، خالد بن ولید و ابوعبیده جراح، مورد اتفاق است.

بند دوم: جنایات وارده بر حضرت زهرا (س)

همانطور که ذکر شد در جریان هجوم به بیت رسالت آسیب‌هایی به بدن مطهر صدیقه کبری وارد شد که برای تشخیص موضوع جرم مورد بررسی مروری بر این موارد لازم می‌باشد.

الف) ضربه زدن و شکستن پهلو

الف- قال رسول الله اللهم العن من ظلمها ... و خلد فی نازک من ضرب جنبها پیامبر اکرم فرمودند خدایا آنان را که به فاطمه ام ظلم می‌کنند لعنت کن و کسانی که به پهلویش ضربه می‌زنند به آتش ابدی خود بسوزان. (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۷۶)، (طبری آملی، ۱۳۸۷ش، ص ۳۰۷)، (الفضائل، ابن شاذان، ص ۱۰، ابن شاذان به این عبارت آورده: اللهم العن

ظالمها و خلد فی النار من ضربها علی جنبها، المحتضر، شیخ عزالدین حلی (قرن ۸) ص ۱۹۷،
غایة المرام بحرانی ج ۱، ص ۱۷۲، بحار الانوار، علامه مجلسی، ج ۲۸، ص ۳۹ و ج ۴۳، ص ۱۷۳ و ج
۳۱، ص ۶۲۰. فرائد السمطین، جوینی (۷۳۰ ه.ق) ص ۳۴-۳۵
ب- فآرسل ابوبکر الی قنغد اضربها فألجأها إلی عصابة بیتها فدفعها فکسر ضلعاً من جنبها.
ابابکر قنغد^۱ را فرستاد و به او گفت که فاطمه علیها السلام را بزن، پس قنغد فاطمه علیها السلام
را مجبور کرد به سمتی از خانه اش پناه ببرد، پس قنغد، فاطمه علیها السلام را پرت کرد و استخوانی
از پهلویش را شکست. (هلالی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۳)، (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۹)، (مجلسی،
۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۹۸، ج ۲۸، ص ۲۸۳)

ب) جراحت شکم

آن عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعة. به درستی که عمر در روز بیعت ضربه ای به شکم فاطمه
علیها السلام زد.

(النقض، عبدالجلیل قزوینی (۵۶۰ ه. ق) ص ۲۹۸، کامل بهائی، عمادالدین طبری (قرن ۷)
ص ۳۱۱، عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی، ج ۱۱ و ص ۴۱۶، بیت الاحزان، محدث قمی، ص ۱۲۳،
شرح احقاق الحق، شوشتری، ج ۲، ص ۳۷۲. و ملل و النحل، شهرستانی (۵۴۸ ه. ق)، ج ۱، ص،
وافی بالوفیات، صفدی شافعی، (۷۶۴ ه. ق) ج ۶، ص ۱۵)

ب- (۱) **روایت طبرسی:** و اما انت یا معیره بن شعبه فآتک الله عدو ... وأنت الذی ضربت
فاطمة بنت رسول الله حتی أدمیتها. امام حسن مجتبی علیها السلام به مغیره بن شعبه فرمود: اما
تو ای مغیره! دشمن خدایی تو فاطمه علیها السلام دختر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را به
گونه ای کتک زد که او را خونین ساختی... (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ص ۴۱۴)، (مجلسی، ۱۴۰۳ق،

^۱ قنغد، غلام ابوبکر (و سپس عمر) و پسر عموی عمر بن خطاب، از طلقاء و یکی از فرزندان عدی بن کعب بود. وی مردی تند
خو خشن و بد اخلاق بود. نقش او در شهادت حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) از مسلمات تاریخی است. او به دستور ابوبکر
بارها به بیت فاطمی تعرض نمود و به دستور عمر که به او گفته بود اگر فاطمه بین تو، و علی مانع شد او را بزن، عمل نمود.
قنغد، به خاطر خوش خدمتی ای که به خلیفه اول و دوم نمود در دوران حکومت آنها از مواهب فراوانی برخوردار گردید. ابان از
سلیم نقل می کند در حلقه ای در مسجد رسول خدا وارد شدم که در آن جز هاشمی نبود، غیر از سلمان و ابوذر و مقداد و محمد
بن ابی بکر و عمر ابن ابی سلمه و قیس بن سعد بن عباده. که عباس به علی بن ابی طالب عرض کرد: چرا عمر قنغد را منع کرد
از اینکه غرامت دهد همانگونه که جمیع کارگزاران او غرامت می دهند؟ امیر مومنان (علیه السلام) به اطراف خود نگاه کرد سپس
چشمانش پر از اشک شد و فرمود به خاطر تشکر از ضربه ای که با تازیانه به فاطمه (علیها السلام) زد و فاطمه (علیها السلام)
وفات نمود در حالیکه اثر آن ضربه مانند بازوبند بر بازویش مانده بود... (سید جعفر مرتضی العاملی، مأساة الزهراء (ع)، ج ۲، صص

ج ۳۱، ص ۶۴۵ و ج ۴۳، ص ۱۹۷ و ج ۴۴، ص ۸۳)، (فتونی، ۱۴۳۱ق، ج ۲، ص ۶۰-۶۴)، قمی، ۱۳۶۳ش، ص ۱۱۶)

ب-۲) روایت طبری: فقال مقداد لعمر : لقد ذهبت بنت رسول الله من الدنيا و كان الدم يخرج من ظهرها و جنبها بسبب ضربك لها بالتسيف والسوط هنگامی که عمر جریان دفن مخفیانه فاطمه الزهرا علیها السلام را از مقداد شنید او را زد. مقداد به عمر گفت: دختر رسول الله (صلی الله علیه و آله) از دنیا رفت درحالی که خون از کمر و پهلوی او جاری بود به سبب ضرب شمشیر و تازیانه‌ای که شما بر او زدید. (طبری، ۱۳۸۳ش، ص ۳۱۴)

ج) قال رسول الله (صلی الله علیه و آله) و تضرب و هی حامل ... و تطرح ما فی بطنها من الضرب و تموت من ذلك الضرب. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : حضرت زهرا سلام الله علیها زده می شود درحالی که باردار است در اثر این ضربت فرزندی که همراه دارد سقط می شود و خود او در اثر همان ضربت از دنیا می رود. (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۹۵)

د) ذهبی از ابن حماد کوفی نقل می کند: ان عمر رفس فاطمه حتی اسقطت بمحسن، عمر چنان با لگد به سینه فاطمه کوبید که وی محسن را سقط نمود. (ذهبی، ۱۳۸۲ق، ج ۱، ص ۱۳۹)

علاوه بر جراحات فوق ، جراحات دیگری نیز به پیکر مبارک حضرت زهراى مرضیه (س) وارد شده که با توجه به کثرت آن مجموعاً میتواند به عنوان اماره‌ی بر وجود عنصر معنوی مرتکبین این جنایت تلقی گردد.^۱

^۱ **جراحت کتف،** اخذ عمر خالد بن ولید سیفاً فجعل يضرب بغمده علی کتفها حتی صارت مجروحاً. عمر از خالد بن ولید شمشیری گرفته و با غلاف درحالی که شمشیر داخل آن بود آن قدر برشانه حضرت علیها السلام زد که مجروح شد. (مردی، ۱۳۸۱ش، ص ۸۲) **جراحت سینه،** عصر عمر فاطمه بین الحائط والباب عصره شديدة ... و نبت مسمار الباب فی صدرها. عمر، فاطمه علیها السلام را بین در و دیوار فشار شدیدی داد و میخ در به سینه حضرت علیها السلام فرو رفت . (مقاتل بن عطیه، ۱۳۷۷ش، ص ۱۸۱) **جراحت شکم،** ان عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعه. به درستی که عمر در روز بیعت ضربه ای به شکم فاطمه علیها السلام زد. (النقض، عبدالجلیل قزوینی (۵۶۰ ه.ق) ص ۲۹۸، کامل بهانی، عمادالدین طبری (قرن ۷) ص ۳۱۱، عوالم العلوم، شیخ عبدالله بحرانی، ج ۱۱ و ص ۴۱۶، بیت الاحزان، محدث قمی، ص ۱۲۳، شرح احقاق الحق، شوشتری، ج ۲، ص ۳۷۲ . و ملل و النحل، شهرستانی (۵۴۸ ه.ق) ، ج ۱، ص ۱، وافی بالوفیات، صفدی شافعی، (۷۶۴ ه.ق) ج ۶، ص ۱۵) **جراحت و ورم کردن بازو،** و حالت بینهم « مهاجمین » و بینه « علی » فاطمه عند باب البيت فضربها قنفاً بالمعول بالسوط فماتت حین ماتت و إن فی عضدها كمثل الدمج من ضربته لعنه الله . حضرت زهرا علیها السلام بین هجوم آورندگان و حضرت علی (علیه السلام) مانع شد پس قنفاً ملعون با تازیانه بر بازوی حضرت زد سپس از دنیا رفت درحالی که اثر آن بر بازوی او مثل بازوبند باقی ماند.... (هلالی، ۱۴۱۶ق، ص ۱۵۱)، (طبری، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۹)، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸، ص ۲۷۰، ج ۴۳، ص ۱۹۸)، (بحرانی، ۱۳۶۳ش، ج ۱۱، ص ۴۰۰)، (قمی، ۱۳۶۳ق، ص ۱۱۰) **جراحت وارده به صورت،** حین اقبل (الرجل) یلطم خدّها حتی احمرت عینها . آن مرد (عمر) چنان سیلی به صورت فاطمه علیها السلام زد که چشمان ایشان سرخ شد. (مقرم، ۱۳۷۴ش، ص ۴۱)،

بند سوم) اسناد سقط جنین حضرت زهرا(س) مطابق اقوال اهل سنت

الف: حدیث ابراهیم جوینی

جوینی عالم شهیر شافعی مذهب(م ۷۲۲) که شمس الدین ذهبی در توثیق وی میگوید: الامام المحدث الاوحد الاكمل فخرالاسلام صدرالدین ابراهیم بن محمد بن المومید بن حمویه الخراسانی الجوینی... (ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۵۰۵) در ضمن حدیثی از پیامبر اکرم روایت کرده است: ...و انی لما رایتها ذكرت ما یصنع بها بعدی کانی بها و قد دخل الذل بیتها و انتهکت حرمتها و غصبت حقها و منعت ارثها و کسر جنبها و اسقطت جنینها و هی تنادی: یا محمد! فلا تستجاب و تستغیث فلا تغاث... فتکون اول من یلحقنی من اهل بیتی. فتقدم علی محزونه مکروهه مغمومه مغصوبه مقتوله. فاقول عند ذلك: اللهم العن من ظلمها و عاقب من غصبها و ذل من اذلها و خلد فی نارک من ضرب جنبها حتی القت ولدها. فتقول الملائکه عند ذلك آمین.

زمانی که فاطمه سلام الله علیها را دیدم، به یاد صحنه‌ای افتادم که پس از من برای او رخ خواهد داد. می‌بینم ذلت وارد خانه او شده، حرمتش پایمال گشته، حش غصب شده، از ارث خود ممنوع گشته، پهلوی او شکسته شده و فرزندش را که در رحم دارد سقط شده، درحالی که پیوسته فریاد می‌زند: وای محمدا، وای کسی به او پاسخ نمی‌دهد، کمک می‌خواهد؛ اما کسی به فریادش نمی‌رسد. او اول کسی است که از خاندانم به من ملحق می‌شود؛ و درحالی بر من وارد می‌شود که محزون، گرفتار و غمگین و شهید شده است. و من در اینجا می‌گویم: خدایا لعنت کن هرکه به او ظلم کرده، کیفر ده هرکه حش را غصب کرده، خوار کن هرکه خوارش کرده و در دوزخ مخلد کن هرکه به پهلویش زده تا فرزندش را سقط کرده و ملائکه آمین گویند. (جوینی، ۱۴۰۰ق، ج ۲، ص ۳۵)

ب) کلام شهرستانی در بیان اعتقاد نظام

شهرستانی (۵۴۸ ق) در بیان عقاید نظام معتزلی گفته است: بنا بر عقیده نظام معتزلی (۲۳۰ ق): ان عمر ضرب فاطمه یوم البیعه حتی القت الجنین من بطنها، عمر با ضربه زدن به سینه حضرت فاطمه علیها السلام در روز بیعت‌گیری و هجوم به منزل او، جنین وی را سقط کرد. (شهرستانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۷-۵۸)

جراحت گوش فال الصادق ... ثم لطمها، فکأنی انظر الی قرطٍ فی اذنها حین نقت. امام صادق علیه السلام فرمودند: ... سپس (عمر) سیلی به صورت حضرت زهرا علیها السلام زد، گویی به گوشواره‌ی گوش می‌نگرم، که شکسته شد (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۱۸۵)، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۱۲۹)

ج) کلام صفدی در بیان عقیده نظام

صفدی شافعی (م ۷۶۴) در بیان عقیده نظام معتزلی چنین مینویسد: ان عمر ضرب بطن فاطمه یوم البیعه حتی القت المحسن، عمر در روز بیعت چنان ضربه‌ای بر شکم فاطمه کوبید که محسن را سقط نمود. (صفدی شافعی، ۱۴۲۰ق، ج ۶، ص ۷)

موضع نظام نسبت به شیعیان: جاحظ (م ۲۵۵) می‌گوید: نظام شیعیان را به سبب بدگویی از صحابه به شدت مورد رد و انکار قرار می‌داد. (لباف، ۱۳۸۵ش، ص ۱۴۷) لذا جای هیچ شایبه‌ای از تشیع در وی نمی‌باشد.

د) کلام مقاتل

مقاتل بن عطیه می‌گوید: ابابکر بعد از آنکه با تهدید و ترس و شمشیر از مردم بیعت گرفت، عمر و قنفذ و جماعتی را به درب خانه علی و زهرا علیهما السلام فرستاد. عمر هیزم را در خانه فاطمه (س) جمع نمود و درب خانه را به آتش کشید، هنگامی که فاطمه زهرا علیها السلام پشت در آمد، عمر و اصحاب او جمع شدند و عمر آنچنان حضرت فاطمه علیها السلام را پشت در فشار داد که فرزندش را سقط نمود و میخ در به سینه حضرت فرو رفت (و بر اثر آن صدمات) حضرت به (بستر) بیماری افتاد تا آنکه از دنیا رفت. (مقاتل بن عطیه، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۰ و ۱۶۱)

ه) نقل ذهبی و ابن حجر از ابن حماد

ذهبی ضمن بررسی احوال ابوبکر احمد بن محمد یحیی بن ابی دارم، محدث کوفی (۳۵۲ق)، گفته که او به سبب استماع مثالب عمر در اواخر عمر، متهم به رافضی بودن شده است و از محمد بن حماد حافظ نقل کرده که «من نزد او بودم که شخصی برای وی می‌گفت: عمر با ضربه لگد بر فاطمه علیها السلام موجب سقط محسن شد» (ذهبی، ۱۴۱۳ق، ج ۱۵، ص ۵۷۸) ابن حجر عسقلانی نیز در بررسی احوال ابن ابی دارم همان سخن ذهبی را نقل کرده است. (ابن حجر، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۶۸)

ز) نقل گنجی از ابن قتیبه

گنجی شافعی (۶۸۵ق) می‌گوید: گفته می‌شود: فاطمه علیها السلام پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) جنینی را سقط کرد که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) او را «محسن»

نام گذاری کرده بود و این خبر را من نزد ابن قتیبه یافتم. (گنجی شافعی، ۱۳۶۲ش، ص ۲۶۷) اما نکته قابل توجه آنکه اکنون عین این متن در کتاب ابن قتیبه موجود نیست تمام اخبار و احادیثی که مضمون آنها ایراد ضرب و جرح بر حضرت زهرا در جریان گرفتن بیعت است - که برخی اخبار آن گذشت- با توجه به حامل بودن آن حضرت در آن هنگام قرینه بسیار خوبی برای تاکید و تایید قول به سقط فرزند آن مکرمه است. در جمع بندی اخبار منابع عامه می توان به این نتیجه دست یافت که از گزارش غیر شیعی نیز می توان شهادت محسن علیه السلام را ثابت کرد و گویا همین حقیقت موجب آن گشته که برخی از اخبار این واقعه مبهم نقل شود و یا به مرور دستخوش تحریف گردد.

بند ج) اسناد واقعه سقط جنین در اقوال شیعه

علامه مجلسی می فرماید: و خبر شهادت حضرت زهرا علیها السلام از متواترات است و سبب آن پس قنفذ غلام عمر در شکم فاطمه زد که پهلویش شکسته شد و بدین جهت جنینی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) آن را محسن نامیده بود را سقط کرد. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۲۷)

اگر حدیث و خبری ناقلان آن متواتر بود و مورد تسالم بین اصحاب در تمام طبقات قرار گرفت آن خبر متواتر است و احتیاج به بررسی سند ندارد در صورتی که ممتنع باشد ناقلان آن بر دروغ اتفاق کرده باشند و در مورد اتفاق افرادی همچون شیخ مفید و شیخ طوسی و علامه حلی و مجلسی و دیگران که خبر سقط شدن حضرت محسن علیه السلام به واسطه ی لگد زدن عمر بن خطاب به حضرت زهرا علیها السلام را نقل کرده اند می توان به طور قطع ادعا کرد که آنان اتفاق بر دروغ نداشته اند، و لذا دیگر احتیاجی به بررسی سند روایات مستند آنان نیست. در اینجا جهت جلوگیری از اطاله کلام به ارائه آدرس برخی منابع شیعی در این خصوص بسنده میشود. (کامل الزیارات، باب نوادر زیارت، ۹۹۹، ۱۰۰۴، تأویل الایات، ۸۳۸، الجواهر السنیه ۲۸۹، ۲۹۱، بحارالانوار، ۶۱/۲۸ و جلاءالعیون، ص ۲۳۵) (خصیبی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۷۸)، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۳۴۸ و ۳۴۹)، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۲۸۷) (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۷۸، مجلسی ۱۴۰۳ق، ج ۴۳، ص ۱۹۷ و ج ۴۴ ص ۸۳)، (طبری، ۱۳۸۳ش، ص ۲۶ و ۲۷، طبری صغیر، ۱۴۱۰ق، ص ۹۷ و ۹۸، بحرانی، ۱۳۸۹ش، ج ۱ ص ۳۹۶)، (مفید، ۱۴۱۴ق، ص ۱۸۵)، (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۹، ص ۱۹۲) (شیخ طوسی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۱۹۱، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۸،

ص ۴۱)، (صدوق، معانی الاخبار، ۲۰۶ و مصباح کفعمی، ۵۲۲ و ۵۲۳، و الهدایه الکبری، ۴۰۸ و ۱۷۸ ...)

علاوه بر تواتر، شهرت شهادت حضرت زهرا و فرزندش توسط عمر از چنان قدمتی برخوردار است که حتی عزاداری شیعیان بر آن دو عزیز را مخالفین مکتب شیعه از بیش از هزار سال پیش نقل کرده اند. قاضی عبدالجبار متوفی ۴۱۵ قمری که از وی تعبیر به علامه متکلم می‌کنند در کتاب "تبیت دلائل النبوه" که در اثبات علایم نبوت پیامبر نگاشته شده و از مهم‌ترین منابع اهل تسنن درباره قرامطه می‌باشد، چنین آورده است: در این زمان از آنها مثل ابی جبله ابراهیم بن غسان جابر فوت شده، ابوالفارش.....، ابی خزیمه و ابی عبدالله محمد بن نعمان (شیخ مفید) که آنها در..... عسقلان و دمشق و بغداد و جبل بسماق بودند. همه آنها ادعای تشیع و محبت رسول الله و اهل بیتش را دارند. بر فاطمه و بر پسرش محسن که عقیده دارند عمر او را کشته گریه می‌کنند..... در مورد آن مرثیه خوانده و اشک، می‌ریزند. (همدانی الاسد آبادی، ۴۲۷ق؛ ج ۲، ص ۵۹۴ و ۵۹۵) قابل ذکر است تاریخ سند مذکور مانند بسیاری از منابع دیگر که ذکر گردید مربوط به چند قرن پیش از دوره صفوی است لذا اتهام صفوی بودن موضوع را نیز منتفی می‌سازد.

گفتار دوم: تطابق وضعیت موجود با نظام کیفری جمهوری اسلامی ایران

اقسام سقط جنین مجرمانه در حقوق کیفری

در مواردیکه مقنن سقط جنین را جرم می‌داند و مورد از علل موجهی جرم نیز قلمداد نمی‌گردد جرم سقط جنین با توجه به عنصر روانی مرتکب همانند سایر جنایات به سه دسته سقط جنین عمدی و شبهه عمدی و خطای محض تقسیم می‌شود.^۱ که آنها را می‌توان اینگونه تعریف نمود:

- ۱- سقط جنین عمدی : عبارت است از سقط جنینی که شخص با اراده و قصد سقط، مرتکب عملی شود یا اینکه بدون قصد رفتاری مرتکب شود که نوعاً سقط کننده بوده و نتیجه‌ای که همان اسقاط جنین است صورت پذیرد.
- ۲- سقط جنین شبه عمد : عبارت است از اینکه مرتکب، قصد انجام فعل یعنی تاثیر گذاری بر جنین را دارد لکن قصد نتیجه و از میان بردن آن را ندارد و عمل یا وسیله نیز نوعاً بر جنین قتاله نمی‌باشد (هر چند که در عمل ایراد ضرب یا اذیت و آزار مجنی علیها یعنی

^۱ ماده ۲۸۹ قانون مجازات اسلامی - جنایت بر نفس، عضو و منفعت بر سه قسم عمدی، شبه عمدی و خطای محض است.

زن حامله داخل در سو نیت عام می‌باشد)، اما حصول نتیجه مجرمانه که همان سقط جنین است را نمی‌خواهد، یعنی قصد اسقاط جنین را ندارد و فعل وی نیز غالباً موجب سقط نمی‌گردد.

۳- سقط جنین خطای محض : عبارت است از اینکه مرتکب، نه قصد انجام فعل را دارد و نه خواهان نتیجه مجرمانه، یعنی سقط جنین است و مرتکب هیچ‌گونه خطا یا بی احتیاطی نیز نشده است لکن به هر دلیلی موجب سقط جنین زن حامله می‌گردد.

با عنایت به شواهد متعدد که در اخبار اهل سنت ذکر شده رفتار اجرایی (ضربه زدن به مادر) و سقط بر اثر آن ضربه رخ داده است. یعنی اولاً با ضربه به وجود نورانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) بر تمامیت جنین تاثیر گذاشته شده و بر اثر همان ضربه جنین از بین رفته است یعنی اولاً نتیجه مجرمانه حاصل شده و از طرفی رابطه‌ی علیت نیز حسب روایات اهل سنت موجود بوده است. لذا تمامی اجزای عنصر مادی در اینجا حاضر می‌باشد. و البته با توجه به اینکه بحث ما سقط جنین عمدی است نیازمند اثبات عنصر روانی می‌باشیم. در عنصر روانی جرائم عمدی در گام اول نیازمند علم هستیم. علم به وجود جنین با توجه به بار داری کاملاً قابل حصول است. و از آنجایی که وجود نورانی حضرت زهرا (سلام الله علیها) شش ماهه حضرت محسن علیه السلام را باردار بودند براحتمی این امر قابل تشخیص است. و گام دیگر سو نیت عام یا خواست تاثیرگذاری بر جنین است که این امر نیز از محل ایراد ضربه مشخص می‌شود. بعبارت دیگر خواست ایراد ضربه بر شکم و بطن مادر با علم به بارداری وی داخل در سو نیت عام این جرم عمدی است و با عنایت به قتاله بودن عمل برای جنین سو نیت خاص مستتر در سو نیت عام بوده و جداگانه نیازی به احراز آن نمی‌باشد. با توجه به این موارد استناد به ماده ۶۲۲ از قانون مجازات اسلامی که اشعار می‌دارد " هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین وی شود، علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد." در این خصوص بلامانع می‌باشد.

اما بحث دیگر در خصوص تعیین مسوولیت کیفری مباشر یا شرکا و معاونین جرم است. در خصوص مباشر جرم یعنی فردی که مستقلاً و مستقیماً رفتار اجرایی جرم را انجام داده و جرم منتسب به وی می‌باشد فوقاً بیان مطلب نمودیم.

اما در خصوص معاون جرم باید گفت معاون در حقوق کیفری فردی است که بنحو مذکور در قانون تسهیل وقوع جرم مینماید.^۱ البته در نظام کیفری ما معاونت در جرم امری استعاری است و باید جرم اصلی به منصفه بروز و ظهور و یا به مرحله‌ی شروع به جرم رسیده باشد. و در ما نحن فیه سقط جنین کامل شده است.

نکته‌ی مهمی که در این قضیه وجود دارد آن است که اگر ضارب و فردی که به دلیل ضرب او سقط جنین انجام شده باشد عبد باشد و بدستور مولی این کار را کرده باشد حکم فقهی وی با حکم قانونی او ممکن است تفاوت کند در نظام کیفری ما بحث عبد و مولی منتفی است اما بحث مباشرت مادی و معنوی مطرح میشود چنانچه ضارب عبد بوده و الزام داشته که دستور مولی را اجرا کند و این الزام بنحو اکراهی باشد که به حد الجا رسیده، در این صورت مسوولیت کیفری بر عهده‌ی مباشر معنوی قرار میگیرد. که در قضیه‌ی مطروحه بنظر می‌رسد این حالت وجود نداشته باشد. اما اگر حالت مشارکت در جرم وجود داشته باشد یعنی هر یک از شرکا ضربه‌ای وارد آورده اند و بر اثر آن ضربات مجموعاً جنین سقط شده باشد دیه میان آنان تقسیم شده و هر یک به مجازات مباشر مستقل محکوم میگردند. (خواننده گرامی در نظر دارند که این حکم مطابق قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲ می‌باشد).^۲

^۱ ماده ۱۲۶- اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

الف- هر کس، دیگری را ترغیب، تهدید، تطمیع، یا تحریک به ارتکاب جرم کند یا با دسیسه یا فریب یا سوءاستفاده از قدرت، موجب وقوع جرم گردد.

ب- هر کس وسایل ارتکاب جرم را بسازد یا تهیه کند یا طریق ارتکاب جرم را به مرتکب ارائه دهد.

پ- هر کس وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره- برای تحقق معاونت در جرم، وحدت قصد و تقدم یا اقتران زمانی بین رفتار معاون و مرتکب جرم شرط است. چنانچه فاعل اصلی جرم، جرمی شدیدتر از آنچه مقصود معاون بوده است مرتکب شود، معاون به مجازات معاونت در جرم خفیف‌تر محکوم می‌شود.

ماده ۱۲۷- در صورتی که در شرع یا قانون، مجازات دیگری برای معاون تعیین نشده‌باشد، مجازات وی به شرح زیر است:

الف- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها سلب حیات یا حبس دائم است، حبس تعزیری درجه دو یا سه

ب- در سرقت حدی و قطع عمدی عضو، حبس تعزیری درجه پنج یا شش

پ- در جرائمی که مجازات قانونی آن‌ها شلاق حدی است سی و یک تا هفتاد و چهار ضربه شلاق تعزیری درجه شش

ت- در جرائم موجب تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات جرم ارتکابی

^۲ ماده ۱۲۵- هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آن‌ها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

در مورد جرائم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

بحث و نتیجه گیری

بنابر نقل حسین بن حمدان (که در ادامه ذکر می‌گردد) حضرت محسن هنگام سقط در سن شش ماهگی به سر می‌برده است پس بدون شک روح در بدن شریفش ولوج کرده و موضوع از مواردی است که سن حمل از چهار ماهگی فراتر رفته که جرم و مجازات در آن شدیدتر است. نکته دیگر اینکه عمدی بودن ورود ضربات را تاریخ و روایات تصریح نموده‌اند و ضربات وارد بر مادر مطهره حمل بنا بر اسناد مذکور بدون شک از افعالی بوده که غالباً موجب سقط جنین بلکه موجب قتل مادر بوده است.

نکته آخر اینکه با توجه به نزدیک بودن حادثه به شهادت رسول اکرم و گذشتن تنها چند روز پس از رحلت آن سرور بدون شک صحابه مژده آمدن نواده نو رسیده رسول خدا را که پیامبر وی را هم نام فرزند هارون معرفی کرده بود و در کتب آسمانی گذشته نیز از وی یاد شده بود، از خاطر نبرده بودند و با علم و آگاهی به باردار بودن دختر پیامبر خدا اقدام به این عمل نموده بودند. با توجه به نکات فوق، عنصر مادی، معنوی و قانونی جرم سقط جنین کاملی که روح در آن دمیده شده محقق می‌گردد.

اما در مورد عامل قتل یا قاتلین آن حضرت باید گفت، حضرت محسن (ع) فقط بر اثر ضربه به شکم مبارک حضرت زهرا (س) شهید نشدند، بلکه ایراد یک ضربه روحی و روانی شدید نیز در این جنایت نقش داشته است. از طرفی ضربات جسمی و روحی تنها از جانب یک شخص و یک عامل روی نداده، بلکه عاملان واقعه چندین نفر بوده‌اند. لذا میتوان گفت تمام آنان که به خانه آن حضرت هجوم آوردند عاملان سقط حضرت محسن (ع) می‌باشند. و می‌توان مورد را از موارد اشتراک در قتل به شمار آورد. در مورد عامل شهادت حضرت محسن و پیرامون ضربات جسمانی وارده بر حضرت زهرا (س) در احادیث و کلمات علما سه دیدگاه ارائه شده: ۱- ضربه عمر ۲- ضربه قنفذ ۳- برخی هردو (هلالی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۵۳)

از جمله شواهد قول نخست: در کتاب الامامه و السیاسه آمده است « خلیفه دوم فاطمه را چنان بین در و دیوار فشار داد که فرزندش سقط شد... » (ابن قتیبه، ۱۴۱۳، ۳۰، ابن عطیه، مقاتل، المناظرات، ۱۴۱۹، ۵۵) حسین بن حمدان خصیبه می‌گوید « عمر درب را با لگد بر فاطمه (س) کوبید، به حدی که به شکم او اصابت کرد و درحالی که او، محسن را شش ماهه حامله بود، او را سقط کرد. (خصیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۴۰۸)

از جمله شواهد قول دوم: طبرسی (۵۸۴) می‌گوید: «ابوبکر سراغ قنغد فرستاد که فاطمه (س) را بزند لذا قنغد آن بانو را به سمتی از خانه پرت کرد و استخوان دنده‌ای از پهلویش را شکست و آن بانو جنین را از شکم مبارکش فروانداخت (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۸۳) در کتاب دلائل الامامه آمده است امام صادق (علیه السلام) فرمود: علت شهادت حضرت زهرا همان ضربه بود که قنغد غلام عمر به دستور او بر وی وارد آورد. (طبری الصغیر، ص ۱۳۴) طبق روایات ذکر شده، می‌توان دریافت که مهاجمان از جمله خلیفه اول و دوم، خالد بن ولید، قنغد و... همگی از عاملان سقط محسوب می‌شوند (عاملی، ۱۳۸۱ش، ص ۶۱۰) هرچند اگر فرض کنیم ضربه‌ای به حضرت زهرا (س) نزده باشند اما برای حضرتش ترس و رعب ایجاد نموده اند.

به نظر می‌رسد این دو قول قابل جمع اند و همان طور که محققین از علماء اشاره کرده اند (حسینی عاملی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۵ و قمی، ۱۳۶۳ق، ص ۱۶۰) عامل اصلی قتل، همان کسانی هستند که امر به این کار کرده و ایجاد رعب و وحشت نموده‌اند حتی اگر مباشر در قتل غلامان یا کارگزاران آنها باشند. زیرا قنغد بنده و غلام عمر بوده- همانطور که در منابع پیشین به آن تصریح شد- که در این صورت بر اساس روایات، عبد نسبت به مولا به منزله آلت و وسیله است و در این موارد سبب اقوا از مباشر بوده و مسئولیت قتل مستقیماً متوجه آمر است. کلینی در باب "الرجل یامر رجلاً بقتل رجل" کتاب شریف کافی با سند خود از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند: امیر المومنین علیه السلام در باره مردی که به بنده اش دستور داده بود شخصی را به قتل برساند و وی نیز مرتکب این قتل شده بود فرمود: هل عبد الرجل الا کسوطه او کسيفه؟ یقتل السید به و یتودع العبد السجن. آیا بنده انسان جز همانند تازیانه و شمشیر اوست؟ مولا به خاطر صدور فرمان قتل کشته می‌شود و بنده را به زندان می‌اندازند. (کلینی، ۱۳۷۸ش، ج ۱۰، ص ۱۵۸).

بنابراین عامل اصلی در قتل حضرت محسن بن علی و مادر گرامیش، عمر بن خطاب (و ابوبکر) می‌باشند و سایر شرکت کنندگان همراه وی در این جنایت، معاونین در قتل محسوب می‌گردند. در تایید این دیدگاه حدیثی است که مرحوم ابن قولویه در آخرین باب کامل الزیارات نقل کرده مبنی بر اینکه اولین دادگاهی که در قیامت تشکیل میشود در مورد محسن بن علی و قاتل او است و سپس قنغد (اول من یحکم فیه محسن بن علی فی قاتله ثم فی قنغد فیوتیان هو و صاحبه) (ابن قولویه، ۱۳۸۱ش، ص ۱۰۰۴) بنابراین در وهله نخست، جنایت متوجه صاحب قنغد است و سپس خود وی. همان طور که به تفصیل گذشت مجازات سقط جنین کیفری عمدی نسبت به جنینی که در آن روح دمیده شده بنابر نظر مشهور فقها، قصاص است.

مؤید نتیجه بحث، حکم رسول خدا در مورد هبار بن اسود است که در ضمن بحث به آن اشاره شد. هبار به قصد آزار زینب دختر خوانده پیامبر، وی را ترساند که در اثر آن وقتی زینب به مدینه رسید فرزندش را سقط نمود. لذا به طریق اولی وقتی با قصد ضرب و جرح نه به صرف قصد ارباب، دختر نسبی آن حضرت را نه دخترخوانده ایشان را سقط جنین نمایند، مجازات چنین اسقاط جنینی جز قتل نمی تواند باشد. ابن ابی الحدید بعد از نقل خبر هبار می گویند، این خبر را برای نقیب ابو جعفر خواندم. نقیب گفت: وقتی رسول خدا به خاطر ترساندن زینب و افتادن بچه از شکم او، خون حبار ابن اسود را مباح کرد معلوم است که اگر در زمان فاطمه زنده بود بدون شک خون کسانی که فاطمه را ترسانده تا سقط جنین کرده، مباح می نمود. (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۴ ش، ج ۱۴، ص ۱۹۲)

قابل ذکر است جنایات مربوط به حادثه هجوم به بیت فاطمه (علیها السلام) محدود به سقط فرزند نمی شود بلکه شامل جنایات دیگری از جمله قتل مادر، تهدید، ورود به علف به منزل، تخریب اموال، توهین به مقدسات، سب نبی و معصومین، نصب و... نیز می شود که خود مقاله بلکه رساله ای مستقل می طلبد. عناوینی که از نظر فقه و قانون و از دید هر مکتب و مشربی جرم محسوب می گردد. به عنوان نمونه ماده ۳۷ قانون اساسی عربستان سعودی مقرر داشته: منزل مکانی واجب الاحترام است و هیچ فردی بدون اجازه مالک حق ورود به آن یا جستجوی آن را ندارد. - جای تاسف است که حرمت بیت نبوی حتی به اندازه حرمت منزل شهروندی عادی نگاه داشته نشد- و ماده ۵۱۳ قانون مجازات اسلامی ایران به صراحت مجازات اهانت به حضرت صدیقه طاهره (علیها السلام) را اعدام اعلام می کند. و حکم این ماده بر اساس اجماع فقها در مورد الحاق حضرت زهرا (علیها السلام) به پیامبر اکرم (صل الله علیه و آله) در طهارت و حکم سب النبی مقرر شده است.

نتیجه

در مورد جنایت مذکور هیچ دلیل و اماره ای بر رضایت اولیاء دم در کتب حدیثی و تاریخی موجود نیست بلکه عکس آن وجود دارد. بخاری در صحیح نقل می کند: فغضبت فاطمه بنت رسول الله فهجرت ابابکر فلم تزل مهاجرة حتى توفیت. فاطمه (علیها السلام) از ابوبکر غضبناک شد پس پیوسته از او دوری کرد و با وی قهر بود تا اینکه وفات یافت. (بخاری، ج ۴، ص ۴۲، ح ۳۰۹۳). صاحب ریاض الابرار نقل می کند از امام رضا (علیه السلام) درباره شیخین سوال شد. فرمودند: ما (اهل بیت) مادری نیکوکار داشتیم که وقتی از دنیا رفت از آنان خشمگین بود، ما

راضی نمی‌شویم تا او از آنان راضی شود (جزایری، ج ۲، ص ۲۵۹) لذا این پرونده جنایی همچنان مفتوح است و حکم آن صادر و اجرا نشده و از طرفی حدود و قصاص مشمول مقررات مرور زمان نمی‌گردد. بنا براین تا برپایی محکمه عدل الهی توسط ولی دم آن مظلوم و مظلومه، مهدی موعود از آل محمد (ص) به حکم مفهوم آیه لایحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم. خدای متعال آشکار کردن گفتار بد را دوست نمی‌دارد مگر در مورد ستمی که به مظلوم شده (۱۴۸ نساء). (از آنجا که آشکار کردن ستمی که به مظلوم شده تنها جهر به سوئی است که محبوب ذات پروردگار می‌باشد) باید این مظلومیت را هویدا کرد و همواره از آن سخن گفت و با اخفا و پنهان سازی آن مقابله کرد تا دچار فراموشی و غفلت نگردد. مسأله در درجه‌ای از اهمیت است که عذر جاهل مقصر در آن پذیرفته نیست و شرکت در ظلم محسوب می‌گردد. قال الباقر (علیه السلام): من لم يعرف سوء ما اتی الینا من ظلمنا و ذهاب حقنا و ما نکبنا به فهو شریک من اتی الینا فیما ولیناه. هر کس که ستم‌ها و حق‌کشی‌هایی را که نسبت به ما اهل بیت انجام شده و نیز مصیبت‌هایی که به ما وارد شده را نداند (یا محکوم نکند) با کسانی که بر ما ستم کرده اند شریک خواهد بود (ابن بابویه (شیخ صدوق) ۱۳۶۸ ش ص ۲۰۸) بی‌تفاوتی و سستی نیز در این موضوع روا نبوده و موجب بازخواست خواهد گشت همانگونه که رسول خدا در حدیث شریف ثقلین پس از ذکر قرآن و عترت فرمودند در مورد آنها سوال خواهید شد و خود حضرت زهرا (علیها السلام) در خطبه فدکیه خود از این مطلب گلایه کرده و فرمودند: ما هذه الغمیزه فی حقی و السنه عن ظلامتی؟ چرا در حق من سستی می‌کنید و چرا در برابر ظلمی که به من شده خوابتان برده است؟

بر طبق سنت مسلم الصدور از شخص خاتم انبیاء، انقباض فاطمه زهرا (علیها السلام) انقباض اوست و انبساط فاطمه زهرا (علیها السلام) انبساط اوست. (قال رسول الله (ص) انما فاطمه شجنه منی یبسطنی ما یبسطها و یقبضنی ما یقبضها، رسول خدا فرمود: فاطمه پاره‌ای از وجود من است، پس هر کس او را به غضب آورد مرا غضبناک نموده و هر کس او را خشنود نماید مرا خشنود نموده است. (طبرانی، ج ۲۰، ص ۲۶ و حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۴)) و به مقتضی نص کتاب (و ما اتاکم الرسول فخذوه، آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و اجرا کنید) (حشر ۷) تمامی فرق اسلامی با قطع نظر از مذهبی دین مذهبی باید عزای فاطمه زهرا (علیها السلام) را مناسب با عظمت این مصیبت اقامه کنند. و این قضیه امر تعصبی و تحکمی نیست. با قطع نظر از هر مذهبی و مسلکی، مقتضای ایمان به خدا و مقتضای ایمان به خاتم انبیاء به حکم سنت قطعی، اقامه شعائر فاطمیه است. نتیجه مباحث این است که فاطمیه متعلق به شیعه نیست بلکه

به هر کس که ایمان به قرآن و سنت رسول خدا دارد متعلق است. قهرا (جنین کسی) باید در انقباض خاتم (ص)، منقبض باشد و در انبساط او منبسط باشد. (وحید خراسانی، ص ۲۶۱).

لذا به حکم قرآن کریم و آیه مودت (قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربى، بگو ای پیامبر) بر رسالت خود اجری جز محبت و پیروی از خاندانم نمی خواهم) (شوری ۲۳) بر پیروان تمامی مذاهب اسلامی، اقامه شعائر فاطمی واجب است و این موضوع می تواند یکی از بهترین جلوه های قرآنی وحدت اسلامی را فراهم سازد. به طوری که معنای صحیح وحدت، همین وحدت بر مبنای حق است و الا صرف وجود وحدت فی نفسه ولو بر محور باطل و در زیر پرچم باطل بی ارزش بوده و بدون شک تفرقه بر مبنای حق بهتر از اجتماع بر مبنای باطل است. قال امیر المومنین (علیه السلام) الجماعة والله مجامعه اهل الحق و ان قلما و الفرقه مجامعه اهل الباطل و ان كثروا، به خدا سوگند وحدت و جماعت همراهی و هم دست شدن با اهل حق است هر چند اندک باشند و تفرقه، همراهی و همدستی با اهل باطل است هر چند بسیار باشند. (هلالی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۸۵ و میرجهانی، ج ۱، ص ۱۱)

منابع

قرآن کریم

۱. آقای، سید مجتبی، سقط جنین و دین زرتشتی، ۱۳۸۴ش، تهران، شماره ۴، نشریه باروری و ناباروری
۲. اردبیلی، محمد علی، سقط جنین در بارداری ناشی از زنا به عنف، ۱۳۸۳ش، تهران، مجله تحقیقات حقوقی شماره ۳۹،
۳. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفوائد والبرهان فی شرح ارشاد الازدهان، ۱۴۰۳ق، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۴. ابن الاثیر الجزری، علی بن محمد، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، ۱۴۰۹ق، بیروت، دارالفکر
۵. _____، الکامل فی التاریخ، ۱۳۸۵ق، بیروت، دارالصادر
۶. ابن بابویه قمی (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الامالی، ترجمه محمد باقر کمره ای، ۱۳۷۶ش، تهران، انتشارات کتابچی
۷. _____، تحقیق علی اکبر غفاری، الخصال، ۱۴۰۳ق، قم، نشر اسلامی

۸. _____، *ثواب الاعمال*، ۱۳۶۸ ش، قم، رضی
۹. ابن حزم اندلسی، علی بن احمد بن سعید، *المحلی*، بی تا بیروت، دارالفکر
۱۰. _____، *جمهره انساب العرب*، ۱۴۱۸ ق، بیروت، دارالکتب العلمیه
۱۱. ابوالفداء، اسماعیل بن علی، *تاریخ اُبی الفداء، بی تا، بیروت*، دارالکتب العلمیه
۱۲. ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد، *کامل الزیارات*، ۱۳۸۱ ش، ترجمه: سیدمحمدجواد ذهنی، قم، انتشارات گنجینه ذهنی
۱۳. استرآبادی، سید شرف الدین، *تأویل الایات*، ۱۴۰۹ ق، قم، جامعه مدرسین قم
۱۴. ابن قتیبه دینوری، عبدالله بن مسلم، *دارالمعارف*، ۱۴۱۳ ق، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی
۱۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب*، ۱۳۷۶ ق، تحقیق گروهی از اساتید نجف الاشرف، نجف، المکتبه الحیدریه
۱۶. ابن طریق، یحیی بن الحسن، *عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار*، ۱۴۰۷ ق، قم، جامعه مدرسین
۱۷. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبۀ الله، *شرح نهج البلاغه*، ۱۳۹۴ ش، تهران، نیستان
۱۸. ابن عبدالبر، یوسف بن عبدالله، *الاستیعاب فی معرفه الاصحاب*، ۱۴۱۲ ق، بیروت، لبنان، دارالجیل
۱۹. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *لسان المیزان*، ۱۳۹۰ ق، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات
۲۰. ابن شاذان قمی، شاذان بن جبریل، *الفضائل*، ۱۳۶۳ ش، قم، الشریف الرضی
۲۱. اسفراینی بغدادی، عبدالقاهر بن طاهر، *الفرق بین الفرق*، ۱۴۰۸ ق، بیروت، دارالجیل
۲۲. بیهقی، ابوبکر احمد بن الحسین، *دلائل النبوه و معرفه احوال صاحب الشریعه*، ۱۴۰۵ ق، تحقیق: قلجعی، عبدالمعطی، بیروت، دارالکتب العلمیه
۲۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *غایه المرام*، ۱۴۲۲ ق، بیروت، مؤسسه تاریخ العربی
۲۴. -----، *مدینه المعاجز*، ۱۳۸۹ ش، ارمغان یوسف، قم
۲۵. بحرانی، عبدالله، *عواالم العلوم و المعارف*، ۱۳۶۳ ش، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)
۲۶. بخاری، محمد بن اسماعیل جعفی، *صحیح بخاری*، ۱۴۰۷ ق، بیروت، دار ابن کثیر
۲۷. جزایری، سید نعمت الله، *ریاض الأبرار فی مناقب الأئمه الأطهار*، بیروت، لبنان، مؤسسه تاریخ العربی

۲۸. جونی، ابراهیم بن محمد، *فرائد السمطين*، ۱۴۰۰ق، موسسه محمودی، بیروت، لبنان
۲۹. حر عاملی، محمد بن حسن، *وسایل الشیعه*، ۱۴۱۴ق، آل بیت لاحیاء التراث، قم،
۳۰. _____، *الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه*، ۱۴۰۲ق، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات
۳۱. حلی (محقق)، نجم الدین جعفر بن الحسن، *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام*، ۱۴۰۸ق، قم، نشر اسماعیلیان
۳۲. حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، *المستدرک علی الصحیحین*، ۱۴۱۱ق، بیروت، دارالکتب العلمیه
۳۳. حلی، عزالدین، حسن بن سلیمان، (۸ق) *المحتضر*، ۱۳۷۰ق، نجف، منشورات المطبعه الحیدریه، نجف
۳۴. خطیب بغدادی، *تاریخ بغداد*، ۱۴۱۷ق، بیروت، دارالکتب العلمیه
۳۵. خصیبی، حسین بن حمدان، *الهدایه الکبری*، ۱۴۱۱ق، بیروت، موسسه البلاغ
۳۶. دهخدا، علی اکبر، *فرهنگنامه دهخدا*، ۱۳۳۷ش، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
۳۷. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، *تاریخ الاسلام و فیات المشاهیر والاعلام*، ۱۴۱۳ و ۱۴۰۹ق، بیروت، دار الکتب العربی
۳۸. _____، *میزان الاعتدال فی نقد الرجال*، ۱۳۸۲ش، بیروت، دارالمعرفه
۳۹. _____، *تذکره الحفاظ*، ۱۴۱۹ق، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه
۴۰. _____، *سیر اعلام النبلاء*، ۱۴۲۷ق، القاهره، دارالحديث
۴۱. سلیمانی، حسین، *سقط جنین در یهودیت*، ۱۳۸۴ش، تهران، نشریه باروری و ناباروری دوره ۶، ص ۳۴۴
۴۲. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، *الحاوی للفتاوی*، ۲۰۰۴م، ۱۴۲۴ق، بیروت، لبنان، دارالفکر للطباعه و النشر
۴۳. سلار دیلمی، ابن علی حمزه عبدالعزیز، *المراسم العلویه والاحکام النبویه فی الفقه الامامی*، ۱۴۱۴ق، قم، مجمع جهانی اهل بیت
۴۴. سبزواری، سید عبدالاعلی، *مذهب الاحکام*، ۱۴۱۳ق، چاپ ۴، قم، موسسه المنار،
۴۵. شیرازی، سید محمد، *الفقه البیئه*، ۱۴۲۰ق، بیروت، موسسه الوعی الاسلامی
۴۶. شوشتری، نورالله بن شریف الدین، *احقاق الحق وازهاق الباطل*، ناظر، نجفی مرعشی، شهاب الدین، ۱۳۶۹ش، قم، مؤسسه فرهنگی و اطلاع رسانی

۴۷. شهرستانی، محمد بن عبدالکرمیم، *الملل و النحل*، ۱۴۰۴ق، تحقیق: محمد سید کیدانی، بیروت، دارالمعرفه
۴۸. شهید ثانی، زین الدین بن علی، *مسالك الافهام*، ۱۴۱۳ق، بی جا، مؤسسه المعارف الاسلامیه
۴۹. صانعی، یوسف، *اسفئانات قضایی*، ۱۳۸۴ش، تهران، نشر میزان
۵۰. صفدی شافعی، صلاح الدین، *الوافی بالوفیات*، ۱۴۲۰ق، بیروت، داراحیاء التراث العربی
۵۱. _____ *المحاسن المجتمعه فی الخلفاء الاربعه*، بی تا، سوریه، لبنان، داربن کثیر
۵۲. صنعانی، عبدالرزاق بن همام، *المصنف*، ۴۰۳ق، بیروت، لبنان
۵۳. طبری آملی، ابوجعفر محمد بن القاسم محمد بن علی، *بشاره المصطفی لشیعہ*، ۱۳۸۷ش، قم، نهاوندی
۵۴. طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، ۴۱۷ق، *الخلاف*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی
۵۵. _____، *تهذیب، الأحکام*، ۱۳۶۴ش، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۵۶. _____، *الامالی*، ۱۴۱۴ق، قم، دارالثقافه
۵۷. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک (تاریخ طبری)* مترجم: ابوالقاسم پاینده، ۱۳۷۵ش، بی جا، اساطیر
۵۸. طبرانی، سلیمان بن احمد، *المعجم الکبیر*، ۱۴۱۴ق، بیروت، دار احیاء التراث العربی
۵۹. طبری، عمادالدین حسن بن علی، *کامل بهایی*، ۱۳۸۳ش، تهران، مرتضوی
۶۰. طبری صغیر، محمد بن جریر بن رستم، *نوادیر المعجزات فی مناقب الائمه الهداه (ع)*، ۱۴۱۰ق، قم، مدرسه امام مهدی (ع)
۶۱. طبرسی، احمد بن علی، *الاحتجاج علی اهل اللجاج*، محقق: خرسان، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، مشهد، مرتضی
۶۲. عاملی، سیدجعفر مرتضی، *رنج های حضرت زهرا علیها السلام*، ترجمه: محمد سپهری، ۱۳۸۱ش، قم، تهذیب
۶۳. فتونی عاملی، ابی الحسن، *ضیاء العالمین فی بیان امامه الائمه المصطفین (ع)*، ۱۴۳۱ق، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث
۶۴. قماش، سعید، *اسقاط عمدی جنین از دیدگاه فقه اهل سنت*، ۱۳۸۴ش، تهران، نشریه باروری و ناباروری، دوره ۶، شماره ۴
۶۵. قمی، شیخ عباس، *بیت الاحزان*، ۱۳۶۳ش، تهران، انتشارات اخوان کتابچی

۶۶. قزوینی رازی، عبدالجلیل، *النقض*، ۱۳۵۸ش، تهران، انجمن آثار ملی
۶۷. کراجکی، محمد بن علی، *کنزالفوائد*، ۱۴۱۰ق، قم، دارالذخائر
۶۸. کلینی، محمد بن یعقوب، *کافی*، ۱۳۷۸ش، تهران، دارالکتب اسلامی
۶۹. گلدوزیان، ایرج، *حقوق جزای اختصاصی*، ۱۳۸۹ش، تهران، انتشارات مجد
۷۰. گنجی شافعی، محمد بن یوسف، *کفایه الطالب فی مناقب امیرالمومنین*، ۱۳۶۲ش، تهران، دار احیاء تراث اهل بیت (ع)
۷۱. لباف، علی، *دانشنامه شهادت حضرت زهرا سلام الله علیها*، ۱۳۸۵ش، تهران، مرکز فرهنگی انتشارات منیر
۷۲. متقی هندی، علی بن حسام الدین، *کنز العمال*، ۱۴۱۹ق، بیروت، موسسه الرساله
۷۳. محسنی، محمد آصف، *الفقه والمسائل الطیبه*، ۱۳۸۲ش، قم، کتاب بوستان
۷۴. مدنی کاشانی، رضا، *متاب القصاص للفقهاء و الخواص*، ۱۴۱۰ق، قم، مؤسسه نشراسلامی
۷۵. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، *مبانی تکمله المنهاج*، ۱۴۲۲ق، قم، موسسه احیاء آثار الامام الخوئی
۷۶. موسوی خوانساری، احمد، *جامع المدارک*، ۱۴۰۵ق، قم، موسسه اسماعیلیان
۷۷. موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا، *مجمع المسائل*، ۱۴۰۹ق، قم، دارالقرآن الکریم
۷۸. مقاتل بن عطیه، مؤتمر علماء بغداد فی الامامه و الخلافه، ۱۳۷۷ش، تهران، دار الکتب الاسلامیه
۷۹. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ۱۴۰۳ق، بیروت، نشر دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم
۸۰. _____، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل رسول*، ۱۴۰۴ق، تهران، دار الکتب الاسلامیه
۸۱. _____، *جلاء العیون*، ۱۳۸۲ش، قم، سرور
۸۲. مرندی، ابوالحسن، *مجمع النورین*، ۱۳۸۱ش، قم، آل عبا
۸۳. مقرر، عبدالرزاق، *وفاء الصدیقه الزهراء علیها السلام*، ۱۳۷۴ش، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی
۸۴. مکارم شیرازی، ناصر، *بحوث فقهیه هامه*، ۱۴۲۲ق، قم، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابیطالب علیه السلام
۸۵. مفید، محمد بن نعمان، *المقنعه*، ۱۴۱۰ق، قم، مؤسسه نشر اسلامی

۸۶. _____، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ۱۴۱۳ق، قم،
کنگره شیخ مفید
۸۷. _____، الاختصاص، ۱۴۱۴ق، بیروت، دارالمفید
۸۸. _____، الجمل، ۱۳۸۳ش، تهران، نشر نی
۸۹. میر جهانی، حسن طباطبایی، مصباح البلاغه، ۱۳۸۸ق، قم
۹۰. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، ۱۳۹۲ش، قم، جامعه مدرسین
قم
۹۱. نجفی (کاشف الغطاء)، احمد بن علی بن محمد رضا، سفینه النجاه و مشکاه الهدی و مصباح
السعادت، ۱۴۲۳ق، نجف اشرف، موسسه کاشف الغطاء
۹۲. وحید خراسانی، شیخ حسین، حلقه وصل رسالت و امامت، ۱۳۹۱ش، قم، مدرسه الامام باقر
العلوم
۹۳. هلالی، سلیم بن قیس، کتاب اسرار آل محمد، مترجم: اسماعیل انصاری زنجانی، ۱۴۱۶ق،
قم، هادی
۹۴. همدانی الاسدآبادی، عبدالجبار، تثبیت دلائل النبوه، ۱۴۲۷ق، قاهره، مصر، دارالمصطفی
یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، مترجم: محمد ابراهیم آیتی، ۱۳۷۴ش، تهران، شرکت
انتشارات علمی و فرهنگی